

پیشینه‌ی یک بازیچه‌ی کودکان در شعر فارسی

علی اصغر فیروزنیا

□ مولانا در ابیات زیر از **مثنوی معنوی**، از یک بازی کودکانه برای بیان پندی حکیمانه بهره گرفته است:

«از خمیری اُشتر و شیری پزند

کودکان از حرص آن، کف می‌گزند

شیر و اشتر نان شود اندر دهان

در نگیرد این سخن با کودکان

کودک اندر جهل و پندار و شکی ست

شُکر باری، قوَتِ او اندکی ست

طفل را استیزه و صد آفت است

شُکر این که بی فن و بی قوَت است

وای از این پیرانِ طفل نا ادیب

گشته از قوَتِ بلائی هر رقیب

چون سلاح و جهل جمع آید به هم

گشت فرعونى جهان سوز از ستم»

مثنوی معنوی، صص ۵۴۵ و ۵۴۶

استاد کریم زمانی در شرح این ابیات چنین نوشته است: «ظاهراً

یکی از تفننات و وسایل تفریحی کودکان در قرون پیشین، پختن

نان به شکل جانوران بوده است. بچه‌ها به این قبیل نان‌ها سخت

علاقه‌مند بودند و ای بسا بر سر آن نزاع‌ها می‌کردند، در حالی که

آن نان وقتی به دهان نهاده می‌شد هیچ فرقی با نان‌های دیگر

نداشت و فقط شکل ظاهری آن با سایر نان‌ها متفاوت بود. پس

جنگ آن طفلکان بر سر شکل و صورت بوده است، چنان که مردم

دنیا نیز هم‌چون بر سر شکل و صورت با یک‌دیگر به جنگ

خاسته‌اند.» (شرح جامع مثنوی، دفتر ششم، ص ۱۲۰۴)

رینولد الین نیکلسون نیز در همین باره چنین گفته است: «من

به یاد نمی‌آورم که جایی دیگر در متون عربی یا فارسی اشارتی دیده

باشم به حیوانات ساخته شده از خمیر برای اسباب‌بازی کودکان.»

(شرح مثنوی معنوی مولوی، دفتر ششم، ص ۲۲۷۹)

لازم به ذکر است که در بیت زیر از حدیقه‌ی سنایی به این

بازیچه‌ی کودکانه اشاره شد است:

«طفل چون زهرمار کم داند

نقش او را تتی تتی خواند

تتی: صورت‌هایی باشد که به جهت بازی کردن و مشغول شدن

اطفال از خمیر نان سازند و پزند. (برهان قاطع)» (شرح مشکلات حدیقه سنایی، ص ۳۵۰-۳۵۱) با عنایت به بیت مذکور از حدیقه، پیشینه‌ی این بازیچه را می‌توان به عصر سنایی رسانید. ■

منابع

۱- مثنوی معنوی مولوی، به تصحیح رینولد الین نیکلسون، تهران، انتشارات مولی، چ دوم، ۱۳۶۲؛ ۲- شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر ششم، تالیف کریم زمانی، تهران، انتشارات اطلاعات، چ یازدهم، ۱۳۸۶؛ ۳- شرح مثنوی معنوی مولوی، رینولد الین نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۴؛ ۴- شرح مشکلات حدیقه‌ی سنایی، دکتر اسحاق طغیانی، انتشارات دانشگاه اصفهان، چ سوم، بهار ۱۳۸۶؛ ۵- برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، به اهتمام محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم

گزارش یک بزرگداشت در مازندران

به قلم کاوه موسوی - ساری

شامگاه آدینه، بیستم روز از آذرماه سال ۱۳۸۸ خورشیدی، پنجمین همایش فرهنگی هنری شلاب، به بهانه‌ی پاسداشت استاد محسن مجیدزاده (م.م.روجا) سراینده و پژوهنده‌ی پیشاهنگ مازندرانی، لختی آفرید از برای رویشی دیگر که ماندگاری روزگاران ما را نوید بخشید و روحینی دیگر گشود از برای روشن نمودن اندیشه‌ی آیندگان.

سخنوران بگفتند و سرایندگان بسروند و نوازندگان بناوختند و خوانندگان بخواندند و در این میان اندیشه‌ی زیبا هم‌چون همیشه به ستیز با پندار پلشت برقت و دانایی، رخسار گلگون خود را دگربار بر چهره‌ی سیاه نادانی برتری بداد.

ما گردآمدگان در انجمن فرهنگی مازندران نیز ارج می‌نهیم و گران می‌داریم این جشن زیبایی را.



از چپ به راست - استاد محسن مجیدزاده با تخلص روجا، سرهنگ نصرت‌الله زندی (رییس پیشین شهرداری استان مازندران، عضو انجمن ادبی مازندران)، حسین شهسوارانی، مهندس کیوس گوران، کاوه موسوی